

دولت یورو را هم ترخ گذاری کرد: ۵۱۷۰ تومان

با دلار ۴۲۰۰ تومانی درآمد بودجه‌ای دولت حداقل ۱۷ هزار میلیارد تومان افزایش می‌یابد

صفحه ۲

پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۷ ■ ۲۵ رجب ۱۴۳۹ ■ ۱۲ آوریل ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۴۱۴ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

رضا میر کریمی در نشست خبری جشنواره جهانی فیلم فجر:

فیلمسازان آسیایی همدیگر را در جشنواره‌های اروپایی می‌شناسند!

صفحه ۱۲

■ ۱۱۷۹ سال و ۱۲۶ روز گذشت

شهادت باب‌الحوائح حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام را تسلیت می‌گوییم

توئیت‌های دیوانه‌وار و متناقض ترامپ

چشم‌انداز حمله احتمالی آمریکا به سوریه را مبهم ساخته است

روسیه: جواب آتش را با آتش می‌دهیم

صفحه ۱۵



تیتربهای امروز

کیسه‌ای که رئیس‌جمهور فرانسه برای پسر ولخرج سلمان دوخته است

مکرون: برجام کافی نیست!



صفحه ۲

آماده‌باش ارتش رژیم صهیونیستی در پی به شهادت رساندن ۷ مستشار نظامی ایران در سوریه

بی‌پاسخ نمی‌ماند

صفحه ۲

مجری برنامه «مناظره» و گوینده خبر شبکه پرس تی‌وی در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

در دنیا هم مهم هستیم، هم متفاوت

صفحه ۱۲

به بهانه حذف تحقیرآمیز بارسا برابر گرگ‌های رم

ترس و سقوط

صفحه ۱۴

گفت‌وگو

عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل که توسط ولیعهد سعودی در جریان سفرش به آمریکا مطرح شد، موضوعی است که دارای ابعاد گوناگون است و تنها نباید از منظر پرونده فلسطین به آن نگاه شود. این موضوع که باید به عنوان «سازش خطرناک» ارزیابی شود، دارای ابعاد سیاسی و امنیتی در مقیاس منطقه‌ای و بین‌المللی است که بدون تردید تهدیدهایی را به همراه دارد. خط و ربطها و بازیگران متفاوتی در اجرایی شدن ائتلاف عربی- عبری وجود دارد که گستره آن از کاخ سفید تا سرزمین‌های اشغالی است و باید مورد واکاوی دقیق قرار گیرد. از این رو برای روشن شدن ابعاد پنهان و تهدیدهای برآمده از این ارتباط، با «احمد دستمالچیان» سفیر اسبق ایران در لبنان به گفت‌وگو پرداختیم.

■ هدف اصلی از به رسمیت شناختن اسرائیل توسط ولیعهد عربستان چیست؟ به نظر تان چرا این پیام باید از خاک آمریکا مخایره می‌شد؟

سیاست عادی‌سازی روابط عربستان و اسرائیل موضوع جدیدی نیست اما شرایط نظام بین‌الملل و تحولات منطقه باعث شده این پرونده مهم جلوه کند. باید به خاطر داشته باشیم از زمان فهد بن عبدالعزیز و پس از آن ملک عبدالله، طرح صلح میان اعراب و اسرائیل همواره مدنظر بوده است و در وضعیت فعلی هم ادامه همان طرح را به شکلی دیگر شاهدیم. ریاض از مدت‌ها پیش به دنبال آماده‌سازی جهان عرب برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی بوده و از نظر آنها این فرصت در مقطع کنونی به وجود آمده است.

۲ مولفه اصلی این فرصت را باید «دونالد ترامپ» به عنوان حاکم کاخ سفید و «جرد کوشنر» که داماد و مشاور ارشد رئیس‌جمهور ایالات متحده است بدانیم؛ داماد ترامپ یهودی‌الصل است و بر اساس نقشی که برای آن در هرم قدرت کاخ سفید طراحی شده به عنوان حلقه وصل واشنگتن- ریاض- تل‌آویو به ایفای نقش مشغول است. اگر به خاطر داشته باشیم پس از روی کار آمدن ترامپ شاهد سفر کوشنر به اسرائیل در چندین نوبت بودیم. از این منظر است که باید بگوییم این طرح از ابتدای روی کار آمدن جمهوری خواهان در دستور کار قرار داشته است.

■ یعنی تنها دلیل عربستان که وضعیت فعلی را برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل مناسب دیده، حضور ترامپ در واشنگتن است یا دلایل دیگری هم وجود دارد؟

دلایل دیگری هم وجود دارد؛ یکی دیگر از دلایل خستگی جهان عرب از زخم‌های تروریسم تکفیری طی سال‌های اخیر است. کشورهایی منطقه و جهان عرب هر کدام به نوبه خود از فتنه تکفیری- صهیونیستی زخم خورده‌اند و خستگی

سفیر سابق ایران در لبنان و کاردار سابق ایران در عربستان در گفت‌وگو با «وطن امروز» بررسی کرد

تهدیدشناسی روابط ریاض- تل‌آویو از بایکوت قدس تا توطئه علیه ایران



ناشی از آن موجب شده خلأ حضور قدرت در جهان عرب به وجود آید و بن‌سلمان دقیقاً از همین خلأ برای عادی‌سازی روابط استفاده کرده است. از این منظر مجموع مولفه‌ها نشان می‌دهد سعودی‌ها هیچ‌گاه از دایره ارتباط با رژیم صهیونیستی بیرون نبوده‌اند و تنها روابط پنهان آنها به سمت آشکارسازی متمایل شده است.

باید توجه داشت سیاست ترامپ و کاخ سفید علیه محور مقاومت بسیار تند است. او در سخنان خود در زمان تبلیغات ریاست‌جمهوری بارها اعلام کرده بود در صورت پیروزی، محور مقاومت و بویژه ایران را مورد حمله قرار خواهد داد. از این جهت شناسایی «قدس» به عنوان پایتخت اسرائیل شروع این سناریو به حساب می‌آید؛ به عبارت دیگر ترامپ با اعلام این خبر اولاً شعار انتخاباتی خود را برای راضی نگه داشتن لابی‌های اسرائیل در آمریکا عملیاتی کرد

و ثانیاً گام بلندی برای ضربه زدن به محور مقاومت برداشت که تا به امروز هیچ‌کدام از روسای جمهور ایالات متحده چنین اقدامی را انجام نداده بودند. از منظر دیگری ائتلاف عربی- عربی- غربی به دنبال خلع سلاح فلسطین در مذاکرات صلح است. در این بین آنها می‌خواهند طرح سازش با اسرائیل به محوریت سعودی‌ها به ورطه اجرا درآید و حتی به دنبال آن هستند تا بیت‌المقدس را متعلق به صهیونیست‌ها اعلام کنند. داده‌هایی وجود دارد که این ائتلاف در صد است «شهرک ابودیس» در مجاورت قدس را به عنوان پایتخت فلسطین در نظر بگیرد و این به معنای سانسور هویت در دستور کار قرار دارد.

■ پس از اظهارات ولیعهد عربستان درباره عادی‌سازی روابط با اسرائیل، شاهد خطاب قرار دادن ایران بودیم که در مصاحبه بن‌سلمان با مجله آتلانتیک این موضوع دقیقاً به چشم می‌خورد؛ سناریوی ریاض و تل‌آویو تا چه حدی متوجه ایران خواهد بود؟

باید دانست یکی دیگر از اهداف عربستان از نزدیک شدن به اسرائیل فاز جدید پروژه ایران‌هراسی خواهد بود. نخستین هدف این است که آنها بتوانند همکاری‌های تنگاتنگی در سطوح عالی به وجود بیاورند که مثلث غربی- عبری- عربی در اینجا علیه محور مقاومت به تصویر کشیده می‌شود. دومین بحث دور کردن ایران از پرونده فلسطین است؛ به گونه‌ای که آنها می‌دانند بسیاری از گروه‌های مقاومت مردمی در سرزمین‌های اشغالی با تهران در ارتباط هستند

■ آیا ابقای نظامیان آمریکا در سوریه و تقارن آن با نزدیک شدن عربستان و اسرائیل منجر به تشدید مجدد بحران سوریه خواهد شد؟

اینکه در سوریه چه اتفاقی خواهد افتاد در هاله‌ای از ابهام قرار دارد اما احتمال اینکه شخصی مانند ترامپ دست به هر اقدامی بزند بعید نیست و پرونده سوریه می‌تواند یکی از آنها باشد اما عقلایی در واشنگتن حضور دارند که محاسبه‌گری آنها از ترامپ بیشتر است و ابعاد موضوعات را بخوبی بررسی می‌کنند. علاوه بر آن روسیه و محور مقاومت نمی‌گذارند پیروزی‌های کسب شده و جغرافیای تثبیت شده دوباره به دست تروریست‌ها و حامیان آنها بیفتد. تفاهم‌ها در سوچی و آستانه تا حد زیادی گویای این روند و پیروزی جبهه مقاومت در سوریه است؛ از این منظر ابقای آمریکا در سوریه موضوعی است که با تأمین هزینه عربستان ادامه پیدا خواهد کرد و در ماه‌های آینده ترامپ سیاست دوشیدن اعراب را پیگیری می‌کند ولی در نهایت به نفع آمریکاست که از سوریه خارج شود.

■ کشورهای اسلامی و به طور کلی اتحادیه عرب تا چه حد با عادی‌سازی روابط ریاض- تل‌آویو همراه خواهند بود؟

قبل از پاسخ به این سوال باید به این نکته اشاره کنم که یکی از دلایل اصلی تحولات خونبار ۷ سال اخیر، فرو ریختن تئوری شکست‌ناپذیری اسرائیل بود. تل‌آویو پس از شکست در جنگ‌های اخیر برای آنکه تمرکز مقاومت روی خود را از بین برد غائله منطقه‌ای به راه انداخت تا بتواند تمام توجه و توان کشورهای منطقه و جهان اسلام را به آن سمت معطوف کند اما پس از اعلام پایتختی قدس نگاه‌ها برای مبارزه تا حدی به سوی اسرائیل معطوف شد. سناریوی اصلی آنها ایجاد اختلاف و خلأ در کشورهای اسلامی بود که در فلسطین آماده رویارویی تمام‌عیار هستند و این پیام مخایره می‌شود که مقاومت همچنان ادامه دارد. برخی معتقدند تشکیلات خودگردان فلسطین تا حد زیادی در روند سازشکاری با اسرائیل قرار گرفته و حتی روابط پنهانی میان آنها وجود دارد که می‌تواند بسیار خطرناک ارزیابی شود. باید به این نکته اشاره کنم که ممکن است سازش جنبه‌های متفاوتی به خود بگیرد اما باید به یاد داشته باشیم که مابقی گروه‌های مقاومت همانند تشکیلات خودگردان عمل نخواهند کرد. به گونه‌ای که وقایع چند روز اخیر که در خلال «روز بازگشت» شکل گرفت نشان می‌دهد انتفاضه همچنان در ابعاد گوناگون ادامه دارد. در این راستا پیام اسماعیل هنیه به مقام معظم رهبری و پاسخ ایشان به حماس نشان می‌دهد اگر بخواهد دوباره تهدیدی از ناحیه اسرائیل یا عربستان نسبت به فلسطین شکل بگیرد بدون تردید انتفاضه قوی‌تر کلید خواهد خورد. مجموع این وقایع نشان می‌دهد عربی اسرائیل نیست، چرا که آمادگی برای پذیرش اسرائیل از سوی ملت‌های عربی وجود ندارد.

دل‌نوشت

خدای فکه همان خدای فرمانیه

■ حسین قدیانی

هیچ بعید نیست این روزها در آسمان، آوینی مشغول ساخت مستندی از صیاد باشد! والله حتی با خیالش هم می‌توان مات قلم آوینی شد و قدم صیاد! و مگر اقلاً در این خرابات که نامش دنیا باشد، کم خوانده‌ایم جوهر آن قلم را و گوهر آن قدم را؟! تو فکر می‌کنی مستند آوینی درباره صیاد آن هم در بلندای سپهر، با چه جمله‌ای شروع می‌شود؟! تو فکر می‌کنی الان، کجای این سماوات، خیمه زده‌اند آوینی و صیاد؟! تو فکر می‌کنی دل حاج‌قاسم، چه غوغایی بود وقتی خبر شهادت این دو را، آن هم بعد از «روزگار جنگ» یعنی در «جنگ روزگار» شنید؟! تو فکر می‌کنی پای تابوت سه رنگ منقش به نام «الله» آوینی و صیاد، چه قیامتی بود در دل حضرت آقا؟! تو فکر می‌کنی چرا رهبر انقلاب، در تشییع پیکر آوینی حاضر شد؟! تو فکر می‌کنی چرا خامنه‌ای، بوسه زد بر تابوت صیاد؟! تو فکر می‌کنی سالگرد هر شهیدی، چه می‌گذرد بر روح ملکوتی آن شهید؟! تو فکر می‌کنی آن‌سوی هستی، قصه چیست؟! تو فکر می‌کنی چه حالی داشت آوینی، آن دم که خدا بر قلمش جاری کرد؛ «ای شهید! ای آنکه بر کرانه ازی و ابدی وجود برنستند!؛ دستی برار و ما قبرستان‌نشینان عادات سخیف را نیز از اینس منجلب، بیرون کش»؟! تو فکر می‌کنی چه حالی داشت صیاد، آن دم که خدا بر قدمش، مرصاد را جاری کرد؟! تو فکر می‌کنی «زمان، بادی است که می‌وزد؛ هم هست و هم نیست» یعنی چه؟! تو فکر می‌کنی خضوع و خشوع و فروتنی و اشک شنب‌های صیاد یعنی چه؟! تو فکر می‌کنی آوینی و صیاد، الان زنده‌ترند یا دهه ۱۴۰۰ تو فکر می‌کنی «بل احیاء عند ربهم یرزقون» دقیقاً یعنی چه؟! تو فکر می‌کنی محل شهادت آوینی و صیاد، مشخصاً کجا بود؟! فکه؟! فرمانیه؟! اصلاً فکه کجا و فرمانیه کجا! قلم کجا و گلوله کجا! دوربین کجا و اسلحه کجا! میز تدوین کجا و سنسگر فرماندهی کجا! ظاهراً به یکدیگر نمی‌خورند لیکن در باطن این عالم، رازهایی است که به قول قلم آوینی و به شهادت قدم صیاد «جز به بهای خون، فاش نمی‌شود»! آری! «در عالم، رازی است که جز به بهای خون، فاش نمی‌شود!» برای خدای آسمان و زمین، فکه و فرمانیه ندارد! کافی است اراده کند تا آوینی و صیاد، به بهای خون، پی به راز آفرینش عالم ببرند!

ادامه در صفحه ۵